

دور دنیا بادستمزد

دستمزد منطقه‌ای در بسیاری از کشورهای دنیا اعمال می‌شود. هرچند کارشناسان و فعالان کارگری همواره دربارهٔ آن نقدهایی دارند و سعی می‌کنند با تغییرات روزاروز نیاز کارگران و کارفرمایان، مراقب باشند که قوانین از مدار عدالت خارج نشوند. در واقع، منطقه‌ای شدن دستمزدها قانونی نیست که اعمال کنی و تمام شود، بلکه موضوعی سیال و پویاست که باید مدام به‌روز شود و ارتقا یابد. وگرنه طرحی که به‌خاطر افزایش عدالت اجرا شده، ممکن است به ابزاری برای بی‌عدالتی تبدیل شود. در ادامه نگاهی به برخی از این کشورها خواهیم داشت.
در ایالات متحده، دستمزدها در ایالت‌ها و حتی شهرهای مختلف خیلی متفاوت است. به‌عنوان مثال، دستمزدها در ایالت‌هایی مانند کالیفرنیا و نیویورک به دلیل هزینه‌های بالای زندگی و تمرکز صنایع پیشرفته، بسیار بالاتر از ایالت‌هایی مانند می‌سی‌سی‌پی یا آکانزا است. در سال ۲۰۲۳، حداقل دستمزد فدرال ۷.۲۵ دلار در ساعت بود اما برخی ایالت‌ها مانند واشنگتن و کالیفرنیا حداقل دستمزدهای بالاتری (۱۵ دلار در ساعت یا بیشتر) دارند.

در چین نیز تفاوت‌های دستمزد بین مناطق شهری و روستایی به چشم می‌خورد. شهرهای بزرگ مانند شانگهای و پکن دستمزدهای بالاتری می‌دهند. در حالی که مناطق روستایی و غربی چین دستمزدهای پایین‌تری دارند. این تفاوت‌ها منجر به مهاجرت گسترده نیروی کار از مناطق روستایی به شهرها شده است.

دستمزد در هند بسته به منطقه متفاوت است. شهرهای بزرگ مانند دهلی نو و بمبئی دستمزد بالاتری دارند تا مناطق کوهستانی و روستایی. در برزیل هم همین طور. شهرهای بزرگ مانند ساوپائولو و ریودوژانیرو دستمزد بالاتری نسبت به مناطق روستایی دارند. اوضاع در روسیه نیز به همین منوال است. شهرهای بزرگ مانند مسکو و سن پترزبورگ دستمزد بالاتری نسبت به سایر مناطق به کارگران خود می‌دهند.

عوامل مختلفی در این تفاوت‌ها دخیل هستند که روی هم تأثیر می‌گذارند و باعث تشدید و یا تخفیف اثر هم می‌شوند. مثلاً در مناطق با سطح توسعهٔ اقتصادی بالاتر معمولاً دستمزدهای بالاتری پرداخت می‌شود. در کشورهای توسعه‌یافته مانند ایالات متحده امریکا، کانادا یا کشورهای اروپای غربی، دستمزدها به‌طور کلی بالاتر از کشورهای در حال توسعه مانند هند، بنگلادش یا کشورهای آفریقایی است. حتی در داخل یک کشور، مناطق شهری و صنعتی اغلب دستمزدهای بالاتری نسبت به مناطق روستایی دارند.

همچنین هزینه‌های زندگی در مناطق مختلف بر دستمزدها تأثیر می‌گذارد. در مناطقی که هزینه‌های مسکن، غذا و حمل‌ونقل بالاتر است، دستمزدها معمولاً بیشتر است تا کارگران بتوانند هزینه‌های زندگی خود را پوشش دهند. این موضوع را می‌توانیم در شهرهایی مثل نیویورک، توکیو و لندن پیگیری کنیم که به‌خاطر بالا بودن هزینه‌های زندگی، که گاهی سرسام‌آور است، حقوق کارکنان هم بسیار بیشتر از مناطق امن حاشیه است. در مناطقی که تقاضا برای نیروی کار بالا و عرضه کم است، معمولاً دستمزدهای بالاتری پیشنهاد می‌دهند تا مردم تشویق شوند به این مناطق مهاجرت کنند. در مناطقی که صنایع پیشرفته یا تخصص‌محور مانند فناوری اطلاعات یا مهندسی وجود دارد، دستمزدها به‌طور کلی بیشتر است. علاوه بر این، واقعیت‌های سیاسی نظیر اینکه دولتی با چه رویکردهای اقتصادی و سیاسی روی کار باشد، در تعیین دستمزد تعیین‌کننده هستند. برخی دولت‌ها برای کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای، سیاست‌هایی مانند پرداخت کمک‌های مالی یا مشوق‌های مالیاتی به مناطق کمتر توسعه‌یافته را اعمال می‌کنند. در پایان باید به نقش جغرافیا در تعیین دستمزد هم توجه کرد. مناطقی که دارای منابع طبیعی، غنی یا موقعیت جغرافیایی استراتژیک هستند، دستمزدهای بالاتری دارند. به‌عنوان مثال، در مناطق نفتی خاورمیانه یا مناطق معدنی استرالیا معمولاً دستمزدها بالاتر است.



دیگر بگیرد؟
از سوی دیگر، یک کارگر ساکن در منطقه محروم برای دسترسی به امکانات بهداشتی و آموزشی راه طولانی‌تری در پیش دارد. پس او باید حقوق بیشتری بگیرد؟
یا یک کارگر ساکن در مناطق دورافتاده صنعتی مثل عسلویه، که روزهای طولانی از خانواده دور است، باید دستمزد بیشتری بگیرد؟
کارشناسان این مسئله را دائم زیر نظر دارند که عدالت واقعاً چطور محقق می‌شود؟ با یکسان‌سازی همه یا با بررسی شرایط مختلفی که هر گروه در آن قرار دارند. بحث مربوط به دستمزد منطقه‌ای در ایران نیز مانند بسیاری از کشورهای جهان با گستره جغرافیایی و فرهنگی و اقتصادی متنوع، در دو دهه گذشته داغ بوده است. ایران کشوری یک‌دست نیست و هر منطقه شرایط ویژه خود را دارد.

آذرماه امسال، علی حسین شهریور، دبیر کل خانه تعاونگران، با اشاره به داغ شدن بحث دستمزد منطقه‌ای در مقابل مدل یکسان‌سازی دستمزدها گفت: «اجرای مزد منطقه‌ای در ایران با چالش‌های مختلفی مواجه است که مهم‌ترین آن عبارت است از تعیین مناطق و شاخص‌ها. یکی از چالش‌های اصلی، تعیین دقیق مناطق و شاخص‌هایی است که بر اساس آن‌ها مزد منطقه‌ای تعیین شود. تفاوت‌های منطقه‌ای در ایران بسیار زیاد است و تعیین مرزهای هر منطقه و شاخص‌های مناسب برای هر یک، کار پیچیده‌ای است. تورم و نوسانات اقتصادی باید لحاظ شود. نوسانات شدید نرخ تورم و شرایط اقتصادی متغیر در ایران، می‌تواند باعث پیچیدگی بیشتر در اجرای سیستم مزد منطقه‌ای شود. اجرای سیستم مزد منطقه‌ای نیازمند زیرساخت‌های اطلاعاتی قوی، نظارت دقیق و اصلاح قوانین و مقررات موجود است که این امر مستلزم صرف زمان و هزینه قابل توجهی است.

سیستم دستمزد منطقه‌ای همین امروز در بسیاری کشورها اجرا شده و نتایج کم‌وبیش خوبی هم گرفته است. با وجود این، اگر قانون‌گذاران و فعالان کارگری به دنبال برقراری عدالت هستند، علاوه بر مطالعه دقیق طرح و همچنین جلب مشارکت نمایندگان کارگری، باید با توجه به شرایط خاص اقتصاد و معیشت ایران که نوسانات بسیار زیادی را تجربه می‌کند، مدام اطلاعات و تحلیل‌های خود را به‌روز کنند، زیرا دستمزد تنها موضوعی مربوط به جیب و معیشت شهروندان نیست، بلکه یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اجتماعی و جمعیتی هر کشور است.

کوچ کرده و خانواده‌هایشان را با مشکلات متعددی مواجه خواهد کرد.
با این حساب، مناطق با دستمزدهای بالاتر ممکن است با فشار بر زیرساخت‌هایی مانند مسکن، حمل‌ونقل و خدمات بهداشتی مواجه شوند، زیرا طبیعتاً آمادگی فشرده‌گی بیش از حد جمعیت را ندارند و کارایی خود را از دست می‌دهند. مستهلک شدن حمل و نقل عمومی و زیرساخت‌های شهری در سال‌های اخیر و پس از افزایش مهاجرت به پایتخت به خوبی مؤید این نگرانی‌هاست.
علی خدایی، عضو کارگری شورای عالی کار، در این باره می‌گوید: «کسانی که این موضوع را پیگیری می‌کنند به دنبال این هستند که در مناطق کم‌برخوردارتر مزد را کمتر تعیین کنند تا کارفرماها ترغیب شوند صنایع را به سمت آن مناطق ببرند تا توسعه‌یافتگی یکسان شود. غافل از اینکه دستمزد آن قدر مشوق بزرگی نیست که سبب شود صنایع ما به سمت مناطق کم‌برخوردارتر هدایت شوند و به نفع من این اقدام منجر به مهاجرت نیروی کار به نقاطی خواهد شد که پرداختی بالاتری دارند.»

دستمزد عادلانه

حالا که این‌روزها بحث منطقه‌ای شدن دستمزدها داغ است، باید راه‌حل‌های عملی برای اجرای درست آن پیدا شود. مثلاً دولت می‌تواند با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، آموزش و صنایع محلی در مناطق با دستمزد کم، به کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای کمک کند. علاوه بر این، مشوق‌های مالیاتی و حمایت‌های دولتی می‌توانند صنایع را ترغیب به سرمایه‌گذاری در مناطق کمتر توسعه‌یافته کنند. در نهایت هم برای ارتقای سطح کارگران مناطق کم‌برخوردار، دولت با بهبود دسترسی به آموزش و مهارت‌آموزی در مناطق کم‌درآمد می‌تواند افزایش فرصت‌های شغلی و دستمزدها را تسهیل کند.



شغلشان را از دست دادند و یا مجبور شدند با درآمد کمتر کار کنند.

دستمزد منطقه‌ای

علاوه بر مباحث پیچیده و گاهی مناقشه‌برانگیز مربوط به تعیین حداقل دستمزد در دولت و مجلس، یکی از موضوعاتی که در سال‌های گذشته محل بحث بوده، موضوع دستمزد منطقه‌ای است.
در تعریف جهانی، دستمزد منطقه‌ای سیاستی است که در آن دستمزدها بر اساس شرایط اقتصادی و هزینه‌های زندگی در مناطق مختلف یک کشور تعیین می‌شوند تا تعادل اقتصادی و رفاه اجتماعی در آن مناطق افزایش یابد. به بیان دیگر، یعنی سیاستی که بر اساس آن، همه مردم یک کشور یک‌اندازه دستمزد نمی‌گیرند. در نگاه اول شاید این موضوع ناعادلانه باشد اما در این صفحه تلاش می‌کنیم موضوع را دقیقاً بررسی کنیم.
سؤال این است که قوانین کار و سیاست‌های صنفی مربوط به کارگران چطور باید به فرمولی برای پرداخت دستمزد عادلانه برسند؟ عوامل مؤثر بر تعیین دستمزد گرچه در نگاه اول ساده‌اند، اما بسیار پیچیده هستند. مثلاً ما می‌دانیم که هزینه مسکن در کلانشهرها این روزها سر به فلک می‌کشد. بنابراین یک کارگر ساکن در مثلاً پایتخت بیشتر حقوق خود را باید صرف هزینه‌های اسکان کند. پس آیا باید حقوق بیشتری از کارگران شهرهای

کارگران شده است. این موضوع به ویژه در صناعی که به نیروی کار ارزان قیمت وابسته‌اند، مشهود است. برای همین است که بسیاری از صاحبان صنایع در کشورهای توسعه‌یافته در چند دهه گذشته، کارخانه‌هایشان را به کشورهایی با نیروی کار ارزان، به‌خصوص در شرق آسیا، منتقل کرده‌اند و این تبدیل به نوعی از استثمار نوین شده است. در واقع، سود حاصل از فروش محصولات آن‌ها (مثلاً در حوزه پوشاک و ابزارهای ساده و پیچیده دیجیتال) به کارگر نمی‌رسد و یک‌راست به جیب سرمایه‌دار خارجی سرازیر می‌شود.

علاوه بر این، پیشرفت فناوری را هم نباید دست‌کم بگیریم، چون تأثیر مستقیمی بر میزان دستمزد و کیفیت زندگی کارگردان در سراسر دنیا دارد. در برخی مشاغل، فناوری باعث افزایش بهره‌وری و در نتیجه افزایش دستمزدها شده است. با این حال، در مشاغلی که به راحتی قابل واگذاری به ماشین هستند، فناوری ممکن است منجر به بیکاری انسان‌ها و کاهش دستمزدها شود. بنابراین، طبیعی است که جهان نیازمند قوانین و ضوابط به‌روز در جهت حمایت از کارگران باشد.

حالا همه این‌ها را که کنار بگذاریم، بحران‌های جهانی اقتصادی مثل رکود و تورم در مناطق مختلف و بحران‌های جهانی مثل همه‌گیری کرونا تأثیرات عمیقی بر بازار کار داشته است. در دوران همه‌گیری، بسیاری از کارگران در سراسر دنیا به خاطر ورشکستگی کارگاه‌ها و صنایع

ضرورت توجه به حفظ قدرت خرید کارگران

هزینه‌های زندگی می‌تواند کمک کند که کارگران بیشتر طعم رفاه را بچشند.

مرکز پژوهش‌های اتاق ایران در گزارشی با عنوان «حداقل دستمزد منطقه‌ای» با رویکرد اصلاح ماده ۴۱ قانون کار نوشته است: «توجه به تفاوت‌های وضعیت اقتصادی و معیشتی مناطق مختلف ایده اصلی اجرای دستمزد منطقه‌ای است. بر این اساس، در برخی کشورها برای مناطق جغرافیایی مختلف، که ممکن است منطقه استان یا شهر باشد، نرخ‌های حداقل دستمزد متفاوتی تعیین می‌شود. در ایران در ماده ۴۱ قانون کار پتانسیل تقنینی تعریف دستمزد منطقه‌ای براساس دو شاخص هزینه معیشت و نرخ تورم تعریف شده است و تفاوت استان‌ها از نظر این دو شاخص کاملاً محرز است اما تاکنون دستمزد منطقه‌ای اجرا نشده است.»

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نگاه دقیق‌تری به موضوع دارد و در گزارش خود، اجرای این قانون را گرچه ضروری اما مشروط به شرایطی برای بهبود و اصلاح دستمزدها می‌داند. «در ایران در ماده ۴۱ قانون کار، پتانسیل تقنینی تعریف دستمزد منطقه‌ای براساس دو شاخص هزینه معیشت و نرخ تورم، تعریف شده است، اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که استان‌های کشور نه‌تنها از نظر این دو شاخص بلکه از نظر شاخص‌های بازار کار، استاندارد زندگی و شاخص‌های تولیدی نیز متفاوت هستند، بنابراین تعریف دستمزد منطقه‌ای بر حسب استان‌های مختلف کشور موضوعیت دارد، اما لازم است موانع تقنینی، سیاسی، اجرایی و نهادی پیش‌رو را مد نظر داشت.»

البته نباید از نظر دور داشت که در تعریف دستمزد منطقه‌ای، علاوه بر دو شاخص تورم و هزینه معیشت، لازم است شاخص‌هایی معطوف به استاندارد زندگی، شرایط بازار کار و ساختار تولید نیز لحاظ شود و این امر مستلزم اصلاح ماده ۴۱ قانون کار و اصلاح معیارهای تعیین

گزارش

سروش غفاری
روزنامه نگار

در آستانه ورود به سال جدید، یکی از پربازدیدترین موضوعات خبری برای عموم مردم کشورمان، اخبار مربوط به تعیین حداقل دستمزد سال آینده، میزان و زمان واریز عیدی و سنوات پایان سال و مسائلی از این دست است. بنابراین درست است که برای روز کارگر و حواشی آن باید تا اردیبهشت‌ماه صبر کنیم اما این روزهای منتهی به عید نوروز شاید به نوعی کارگری‌ترین روزهای سال باشد.

حداقل دستمزد

موضوع دستمزد یک مسئله جهانی است. به‌خصوص که بسته به میزان توسعه اقتصادی و ثروت هر کشور، میزان دستمزد آن کشور متفاوت است. در کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی کارگران دستمزد بهتری دارند و به تبع آن زندگی مرفه‌تری را تجربه می‌کنند؛ از حداقل دستمزد ۱۴ دلار در کانادا و آلمان و سوئیس تا یک دلار در برزیل و مکزیک و حتی کمتر در اندونزی و هند.

تعیین حداقل دستمزد برای این است که سیاست‌گذاران مطمئن شوند که کارگران (شهروندان) کشورشان می‌توانند حداقل‌های معیشت را برای خود و خانواده‌شان تعیین کنند، اما در برخی کشورها، حداقل دستمزد آن قدر پایین است که حتی نمی‌تواند هزینه‌های اولیه زندگی را پوشش دهد. البته موضوع به همین سادگی نیست که حداقل دستمزد را افزایش دهیم و مشکلات حل شوند. افزایش حداقل دستمزد ممکن است منجر به کاهش اشتغال یا افزایش قیمت‌ها شود.

علاوه بر آن، در بسیاری از کشورها، زنان به‌طور متوسط کمتر از مردان برای کار مشابه دستمزد دریافت می‌کنند. این موضوع هم تأثیرات منفی بر اقتصاد و جامعه دارد. چطور باید در زمینه کار و حقوق زنان عدالت را برقرار کرد؟

گستره سرمایه‌گذاری

گسترش امکانات تجارت بین المللی، جهان را تبدیل به دهکده‌ای کرده است که در آن همه صاحبان سرمایه و کار با هم در ارتباط هستند. این موضوع منجر به ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و افزایش دستمزدها در برخی کشورها شده اما رقابت بین کشورها برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و کاهش هزینه‌های تولید، در برخی موارد باعث کاهش دستمزدها و تضعیف حقوق

گزارش

دستمزد منطقه‌ای این روزها مبحث

داغی در میان فعالان صنفی و همچنین قانون‌گذاران و کارشناسان حوزه کار است. این موضوع که آیا منطقه‌ای کردن میزان حداقل دستمزد کارگران، در نهایت به نفع آن‌هاست یا نه، یک سوی مناقشه است اما سوی دیگر ماجرا تأثیر اجرایی شدن آن بر اقتصاد و اثر طولانی‌مدت و میان‌مدت آن است. جامعه‌شناسان نیز معتقدند که منطقه‌ای شدن دستمزد می‌تواند اثرات مستقیمی بر آرایش جمعیتی مناطق مختلف داشته باشد. به همین دلیل، با وجود اینکه از نظر برخی این مسئله راه حلی قطعی برای برقراری عدالت کار است، هنوز عده زیادی با آن مخالفند. برخی نیز نسبت به اجرای درست آن تشکیک می‌کنند.

برای آنکه بدانیم دقیقاً چه محاسن و معایبی در این طرح وجود دارد، می‌خواهیم از روش دو قطبی کردن استفاده کنیم. دو طرف طیف چه استدلالی برای سخن خود دارند؟ اجازه بدهید اول سراغ موافقان برویم. چون موافقان هر طرحی، توضیح اولیه دقیق‌تری درباره جزئیات آن می‌دهند که می‌تواند آغازگر بحث و نقد و نظر درباره آن باشد.

موافقان

بررسی‌ها نشان می‌دهد که افزایش دستمزد در مناطق گران، می‌تواند به افزایش تقاضا برای محصولات و خدمات منجر شود. یعنی به زبان ساده قدرت خرید کارگران را افزایش می‌دهد. این خود باعث رونق اقتصادی در این مناطق است. به‌خصوص در کشورهایی که حداقل حقوق کارگران کم است، دستمزد منطقه‌ای می‌تواند شاخص‌های رفاه را در نقاط مختلف این کشورها افزایش دهد. همچنین دستمزد متناسب با